

ترویج مفکوره پوسیده غرب، حامیانش را به قدرت بر نمی گرداند

(ترجمه)

عبدالله حمدوک تأکید کرد که کنفرانس توافق، برنامه ملی و مشارکت زنان و حمایت از مسائل مربوط به زن و توافق به نمایندگی زنان و مردان را تا چهل در صد را ایجاد کرده است. (منبع: سودان تریبون/30 می 2024م)

حمدوک، نخست وزیر سابق که در قسمت فراهم کردن زندگی خوب برای زنان در سودان در زمان حکومت داری اش به شدت به ناکامی مواجه شد به یک حکومت غیر نظامی رجوع کرده که برای مشارکت سیاسی زنان چانه زنی می کند. او نقش "اولیمپ دی گوگیس" را شکسته است. "گوگس" شخصی بود که با دیدگاهش حق شهروندان زن را در یکی از کتاب های شاهی اعلان کرد و به سبب آن اعدام شد و بعد از آن کتابش نشر شده و شخصی بود که اولین مدافع عصری به حساب می آید که به خاطر حقوق زنان در انتخابات وارد مبارزه شد.

سوال اینست که مشکل زن در سودان در این وقت در گیرو مشارکت و یا عدم مشارکت سیاسی است و یا در گیرو نظام حاکم عادل که حقوق شهروندی که توسط نظام سکولاریزم غلط سلب شده بازگرداند؟ هم چنان سوال است که اگر زن در نظام حکومت داری سکولاریزم مشارکت داشته باشد به همان قله بلند آرزوهایش در زندگی باعزتی دست پیدا خواهد کرد که مورد رضایت اش باشد؟ و آیا زن با دست یافتن به مشارکت سیاسی الگوی در جهان قرار خواهد گرفت؟ زنانی که فریاد و فغان شان به آسمان ها رسیده است!

حقیقت این شعارهای که حقوق زن را سر می دهند چی خواهد بود؟ زنی که غم های بزرگ و تلاش های فراوان برای رفع این رنج ها کشیده تا این سنگینی ها را از دوش اش بردارد؛ شعارهایی که مساوات زنان را با مردان و حق مشارکت کامل را در ابعاد مختلف زندگی طلب نموده و میزان ظلم تحمیل شده بر زنان و وخیم بودن حالت زنان را بیان می کنند. حقیقت این شعارها و مطالبات چی می باشد؟ میزان دست آوردهای که تلاش دارند برای زنان به دست آورند چی قدر بوده و کدام زن هدف شان است؟ هم چنان سوال است که چی کسی بر حق زنان ظلم کرده است؟

امروزه مسأله مشارکت سیاسی زنان از جمله مسائل بحث برانگیز بوده که این مورد را فرهنگ غرب همیشه دامن زده و ادعاء می کند که برای زنان در تمام میدان های زندگی مشارکت داده است. اما سوال است که آیا هدف زن تنها مشارکت سیاسی است و یا آن چه این مشارکت برایش داده است؟ شکی نیست که فرهنگ غرب در تمام میدان ها پیش رفت نموده اما در این فرهنگ، زن است که آزادی و کرامت خود را از دست داده و مردان طوری با

آن تعامل دارند که با حیوانات تعامل داشته باشند. در این فرهنگ زن به حالتی رسیده که آن را از دایرهٔ انسانیت به دایرهٔ حیوانیت کشانده و زن را آنقدر بی‌ارزش و خوار کرده که حیوانات از حالت شان ننگ و عار می‌کنند!

بدون شک آخرین مرحله‌ای را که مدعیان حقوق زن در غرب برای زنان طلب دارند همان است که تمام محدودیت‌ها را از بالای زنان پس کنند تا باشد که زنان مانند کالای تجارتي به دسترس همه‌گان قرار گیرد و به یک کالای بی‌ارزش تجارتي تبدیل شود که هیچ حرمتی برایش نباشد؛ چنانچه احصائیه‌های که منشورات، روزنامه‌ها و تحقیقات اجتماعی نشر و تحت پوشش قرار داده بر این مسأله دلالت دارند؛ تحقیقات و نشریاتی که بلند بودن میزان قضایای لت و کوب، تجاوز را بیان کرده و ثابت ساخته است که برای زنان استقلال مالی که در اسلام است در آنجا وجود ندارد بلکه تنها زندگی مدنی جنجالی مشترک بین زوجین است.

هم‌چنان در غرب ظلم بر زن تحمیل شده و مجبور به کار می‌شود تا بتواند لقمهٔ نانی برای زندگی‌اش آمده کند، در غیر آن جایش کنار سرک است؛ آنچه در همین ماه در امریکا اتفاق افتاد که سایت‌های اجتماعی قطعهٔ ویدیوی را دست به دست کردند که در کانال "فردا" نشر شد. در این ویدیو مادری را نشان می‌دهد که با دخترش عقد اجاره را به امضاء رسانده تا اطاقی برایش به اجاره بگیرد. در این ویدیو آمده است که این مادر این عملش را از طریق این ویدیو توجیه نموده و تأکید نموده است که گامی برای کامیابی دخترش است که به سن 18 سال رسیده است. طبق این عقد اجاره طوری توافق شده که این دختر از تاریخ امضای عقد در هر ماه مبلغ صد دلار امریکائی پرداخت نماید و این مبلغ را در ابتداء هر ماه اداء نموده و حتی روز دهم همین ماه شامل قرار داد شده است. به این ترتیب دختران در نظام‌های استعمارگر غربی به هر روش و طریقه‌ای که شده وسیله و ابزار کار قرار گرفته تا مبلغ پول و لقمهٔ نانی برای زندگی شان در خانهٔ مادران شان کمائی کنند!

یقیناً که زنان جهان به این نسخهٔ شوم اصلاً نیاز ندارند که غرب و اجیرانش برای حقوق زن سر می‌دهند و فرهنگ پوسیده و درنده خوی شان را ترویج داده و فقه اسلامی را به رکود پرداخت حقوق زن متهم می‌کنند و می‌گویند که اسلام از این که سلطهٔ سیاسی را به زن نمی‌دهد بر ضد حق زن قرار می‌گیرد.

من در این مقاله به کدام موضوع جدیدی نمی‌پردازم، بلکه به صورت کلی به همان چیزی تمرکز می‌کنم که شریعت اسلامی در مورد نقش زن گفته، مخصوصاً نقش سیاسی را به صورت مشخص بیان می‌کنم تا هر چیز بر همان حقیقت که دارد نمایان گردد.

بدون شک اسلام از همان شروع و آغازش توجه به نقش سیاسی زن نموده و از جریان سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم و سیرت خلفاء راشدین به وضوح دانسته می‌شود که شریعت اسلامی بر مشارکت سیاسی زن تأکید

نموده است؛ چنانچه حق کاملی را در کار سیاسی برایش در نظر گرفته که با طبیعت و ساختار جسمی آن مناسبت دارد و هیچ حقی را از آن کم نکرده و ممنوعیت زن در بعضی کارها از جانب اسلام به دلیل نقصان شخصیت زن نبوده چنانچه بعضی چنین ترویج می‌کنند، بلکه این ممنوعیت به دلیل عدم مناسبت طبیعت و ساختار جسمی آن است؛ چنانچه مرد نمی‌تواند بعضی از اعمال را که مناسب طبیعت جسمی وی نیست انجام دهد. لذا خالق زن و مرد نسبت به احوال هردوی شان از همه داناتر است. آنچه برای مرد از حق قائل شده برای زن نیز قائل شده و آنچه بر مرد فرض و واجب گردانیده بر زن نیز فرض و واجب نموده است، مگر بعضی مواردی که نسبت به زن و یا نسبت به مرد خاص کرده است. بناءً زن حق دارد که تجارت، زراعت، صنعت انجام داده، عقود و معاملات را مدیریت کند و انواع مالکیت‌ها را داشته باشد و اموالش را خودش و یا به وسیله دیگران تصرف و فایده نمایند و تمام بخش‌های زندگی را خودش انجام دهد. اسلام برای زن اجازه داده تا به استثنای حاکمیت، تمام شغل‌ها و وظائف را در امور دولتی انجام دهد؛ چون غیر از حکم و حاکمیت در تمام بخش‌های دولتی هیچ فرقی بین زن و مرد نبوده و برای زن ممکن است همان‌طوری که مرد امور را به عهده می‌گیرد، او نیز به عهده داشته باشد.

بهترین نمونه مشارکت زن در زندگی سیاسی و اشتراک آن در تمام عرصه‌ها، همان نمونه زنان صحابه است، که زن پهلو به پهلو مرد در زندگی سیاسی، اقتصادی، جهاد و غیره امور شرکت می‌نمود و از این نوع مثال‌ها و نمونه‌ها بسیار زیاد است که بعضی از آن‌ها را یاد می‌کنیم:

زنان بودند که در بیعت عقبه دوم برای رسول الله صلی الله علیه وسلم شرکت نمودند؛ بیعتی که توانست هسته اولی دولت اسلامی را در مدینه منوره بگذارد. هم‌چنان زنان بودند که در هجرت حبشه برای حفظ دین شان شرکت نموده و مشقت‌های فراوانی را مانند مردان قبول کنند. قصه ام هانیء بنت ابوطالب که بسیار واضح است، وقتی مردی از مشرکین به آن پناه برد، حضرت علی رضی الله عنه می‌خواست آن مرد را بکشد، رسول الله صلی الله علیه وسلم حمایت آن زن را قبول نموده فرمود: «**قَدْ أَجْرْنَا مِنْ اجْرَتِ يَا ام هَانِيءٍ؛ مَا پناه دادیم کسی را که تو پناه دادی ای ام هانیء.**» اینست نمونه احترام اسلام نسبت به زنان.

به همین ترتیب مشارکت زن در جهاد نیز اتفاق افتاده است که این مشارکت برای هم‌کاری لشکر بوده و یا هم در حالت اضطرار در قتال و جنگ بوده، مثل نسبه المازنیة، ام عماره، خوله بنت ازور و سائر زنان، اما اسما بنت ابوبکر رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه وسلم و پدرش را در سفر هجرت کمک کرد و برای شان غذاء برد با وصف این که آن سفر مملو از خطرات تعقیب و ترور بود. هم‌چنان ام المومنین عائشه صدیقه رضی الله عنها لشکر کاملی را برای مطالبه و در خواست خون عثمان بن عفان رضی الله عنه در جمل حرکت داد و به

همین ترتیب عبدالرحمن ابن عوف است که بر حق زنان در انتخابات تأکید فراوان داشت و از تمام زنان مدینه به شمول دختران خانه در امور تعیین خلیفه مشوره خواست.

قصص و روایت‌های بسیاری است که دال بر مشارکت زن در زندگی سیاسی است که گنجایش بیان آن در یک مقاله ممکن نیست و از هیچ یک از صحابه و خلفای راشدین نقل نشده که فکر و نظر زن را بی‌اهمیت شمرده و یا آن را از مشارکت سیاسی به دلیل زن بودنش منع کرده باشد، بلکه نظر زن مورد تقدیر و توجه جامعه قرار داشته است. هم‌چنان در زمانی که اسلام من‌حیث یک نظام تطبیق می‌گردید، یک حادثه‌ای را نقل نکرده که دال بر عیب گرفتن نسبت به زن و عدم کفایت آن در مدیریت باشد، بلکه زن را به یک سلسله اعمالی خاص مکلف ساخته و از یک سلسله اعمالی منع ساخته که مناسب به طبیعت آن نیست، با وصف این که زن مادر و مدیر خانه است و عزت و دانه قیمتی است که باید حفظ شود. پس از نظر اسلام بر زنان لازم است که با این چهره زیبا و با کرامت در امور زندگی بدرخشند. چهره زن با تقوی، پاک و عامل به دین و شریعت پروردگارش، زنی که هم‌کار برای آباد کردن جامعه‌اش بوده و عامل برای بیداری امت برای رضای پروردگاش باشد.

ما این‌گونه، نظریه ترویج کنندگان نقش زن را بر اساس نمونه‌ها و الگوهای منحط غربی سکولاریزم افشا می‌سازیم؛ مفکوره غربی که ستاره آن در حال سقوط بوده و تنها در انتظار فرصتی هستیم که به همان نقش با شکوه خود بازگردیم.

برگرفته از جریده الرأیه شماره 498

نویسنده: استاد غادة عبدالجبار

مترجم: مصطفی اسلام